

دکتر محمود جلالی*

حقوق بشر زنان در حقوق بین‌الملل و وضعیت ایران

چکیده:

یکی از ویژگی‌های حقوق بین‌الملل در ابتدای قرن بیست و یکم توسعه چشمگیر آن در زمینه حقوق بشر زنان است. یکی از دلایل آن این است که توسعه یک کشور با مشارکت زنان در حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن ارتباط مستقیم دارد. از سال ۱۹۴۵، یعنی پایان جنگ جهانی دوم و تأسیس سازمان ملل متحد که وظیفه‌اش حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و حمایت از حقوق بشر منجمله حق توسعه است تاکنون وضعیت زنان موضوع پیش از ۲۰ سند حقوقی بین‌المللی بوده که هر یک از این اسناد مبین و منعکس‌کننده مشکل خاصی در رابطه با موقعیت زن می‌باشد. در این راستا کنوانسیون ۱۹۷۹ محو هرگونه تبعیض علیه زنان (از این به بعد کنوانسیون یا منشور) سند تدوین جدیدترین تلاش‌های عمده حقوق بین‌الملل برای توسعه وضع زنان در جهان است. پیشرفت‌های بین‌المللی دیگری نیز در مورد موضوع انجام گرفته به شکلی که امروزه، گرچه این حقوق به صورت جهانی اجرا نمی‌شود، در جهانی بودن حقوق بشر زنان کمتر بحثی وجود دارد. از آنجا که تبعیض ریشه در فرهنگ‌ها و آداب و رسوم جوامع دارد و یکی از شاخص‌های هر تمدن را مسلماً باید در دیدگاه آن تمدن نسبت به وضعیت زنان دانست، جهت مبارزه با «آپارتاید جنسی»، در ترکیب اعضاء کمیته رفع تبعیض علیه زنان، حضور نمایندگان شکل‌های مختلف تمدن و نظام‌های حقوقی جهان پیش‌بینی گردیده است. در این میان، به عنوان کشوری با سابقه تمدنی کهن، الحاق ایران به کنوانسیون مذکور گام حقوقی بزرگی برای زنان خواهد بود.

واژگان کلیدی:

حقوق بین‌الملل، کنوانسیون محو هرگونه تبعیض علیه زنان، الحاق ایران، حق شرط، حقوق بشر.

۱- مقدمه

اگرچه زنان از قرن‌ها پیش برای به دست آوردن حقوق خود مبارزه می‌کرده‌اند اما مبارزه برای رعایت حقوق بشر زنان توسط جنبش بین‌المللی آنان مبارزه تازه‌ای است (مهرپور، ۱۳۷۷ و ۱۹۹۵، Alfredson).^(۱) به عنوان نمونه منشور سازمان ملل متحد بر تساوی حقوق زن و مرد تصریح می‌نماید و تحقق همکاری بین‌المللی از رهگذر گسترش و تشویق رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان فارغ از هرگونه تبعیض نژادی، جنسی، زبانی یا دینی را از اهداف سازمان بر می‌شمارد. (ن.ک. [http://www.unhcr.ch/women/viewed on 25 feb.2004](http://www.unhcr.ch/women/viewed%20on%2025%20feb.2004)) مواد ۱ و ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام می‌دارد که تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند، از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند و از تمام حقوق و آزادی‌های ذکر شده در اعلامیه بهره‌مند می‌گردند. بند ۱۵ اعلامیه ۱۹۶۸ کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر تهران صریحاً آپارتاید جنسی را رد می‌کند و اظهار می‌دارد «تبعیضی که زنان همچنان در مناطق مختلف جهان قربانی آن هستند باید از بین برود. منزلت مادون برای زنان قائل شدن، مغایر منشور ملل متحد و نیز موازین اعلامیه جهانی حقوق بشر است». (ن.ک. متین دفتری، ۱۳۴۸، صص ۳۷۱ تا ۳۷۴)

موارد نقض مکرر حقوق زنان در جهان و این عقیده که اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلامیه‌ای اخلاقی است نه حقوقی باعث گردید اعلامیه رفع تبعیض علیه زن در سال ۱۹۶۷ (آذر ماه ۱۳۵۸) به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد برسد (قطعه‌نامه XXII ۲۲۶۳ مورخ ۷ نوامبر ۱۹۶۷) که بعداً سبب گردید در سال ۱۹۷۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای اولین بار کنوانسیون را که در بردارنده حجم گسترده‌ای از مسائل مربوط به نقش و موقعیت زنان در جامعه است تحت عنوان کنوانسیون محو هرگونه تبعیض علیه زنان (ن.ک. ناصرزاده، ۱۳۷۲، صص ۶۳ تا ۷۴)^(۲) که اغلب از آن به عنوان «منشور بین‌المللی حقوق زنان» یاد می‌شود، بپذیرد.

۱- با توجه به اهمیت رعایت حقوق بشر زنان در برقراری صلح و امنیت بین‌المللی تعداد قابل ملاحظه‌ای قطعه‌نامه توسط شورای امنیت در این خصوص تاکنون صادر گردیده است. به عنوان مثال ن.ک. قطعه‌نامه‌های ۱۲۶۱ مورخ ۲۵ آگوست ۱۹۹۹؛ ۱۲۶۵ مورخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۹؛ ۱۲۹۶ مورخ ۱۹ آوریل ۲۰۰۰؛ ۱۳۱۴ مورخ ۱۱ آگوست ۲۰۰۰ و ۱۳۲۵ مورخ ۳۱ اکتبر ۲۰۰۰. همچنین حقوق زنان موضوع بسیاری از دعاوی نزد دادگاه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. جهت اطلاع از مهم‌ترین این دعاوی ن.ک. سایت اینترنتی دانشگاه Toronto در کانادا را: <http://www.law-lib.utoronto.ca/diana/cases.htm> viewed on 6 Jan.2004
2- United Nations Convention on Elimination of all Forms of Discrimination Against Women (CEDAW).

همچنین در ماده ۶ اعلامیه اسلامی حقوق بشر ۱۹۹۰ قاهره آمده است که «در حیثیت انسانی، زن و مرد برابرند و به همان اندازه که زن وظایفی دارد از حقوق نیز برخوردار است». به دلیل اشکال مختلف خشونت علیه زنان کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد^(۱) طی تلاش‌های زیادی باعث تصویب قطعنامه ۴۸/۱۰۴ توسط مجمع عمومی در ۲۰ سپتامبر ۱۹۹۳ به عنوان اولین سند بین‌المللی که به طور خاص مبارزه با خشونت علیه زنان را هدف قرار می‌دهد گردید.^(۲) سرانجام کنفرانس بی‌سابقه زن در پکن در مورد اقدام برای تساوی، توسعه و صلح در سال ۱۹۹۵ اکیداً از جامعه بین‌المللی پیوستن به کنوانسیون ۱۹۷۹ و اجرای آن را درخواست نمود و ۱۸۹ کشور شرکت‌کننده در آن تعهد خود را مبنی بر تضمین دسترسی برای زنان به ساختارهای قدرت و مشارکت کامل آنان در روند تصمیم‌گیری اعلام نمودند. (ن.ک.

(<http://www.cs.unca.edu/~edmiston/beijing.html>)

اما علی‌رغم روند رو به رشد این اسناد به عنوان امواج مختلف فمینیسم (Chinkin et al., 1991, pp. 613-818)، گزارشات نقض بی‌رویه حقوق زنان در جهان تکان‌دهنده است. علاوه بر وحشت، خشونت و بربریت طالبانی ده ساله در افغانستان علیه زنان، ذکر نمونه‌هایی از این موارد مبین «مشت نمونه خروار است» خواهد بود.

بیشترین افرادی که در جهان در صف دریافت غذا می‌ایستند زنانند و براساس گزارشی در خصوص سهم زنان در آموزش عالی در جهان در حالی که ۷۰ درصد فقیران و ۶۴ درصد بی‌سوادان جهان را زنان تشکیل می‌دهند، فقط ۳۳ درصد زنان نسبت به مردان در آموزش عالی سهیمند. تنها یک دهم نمایندگی مجالس قانون‌گذاری دنیا به زنان تعلق دارد. کمتر از یک هفتم

۱- کمیسیون مقام زن (Commission on the Status of Women) یکی از اولین نهادهایی است که توسط شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل در ۱۹۴۶ به وجود آمد. کار این کمیسیون نظارت بر وضعیت زنان و ترویج حقوق آنان در سرتاسر دنیاست که در این زمینه به سازمان ملل متحد توصیه‌های لازم را معمول و گزارش خواهد داد. به دنبال تلاش‌های گسترده این کمیسیون، کنوانسیون در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ و طی قطعنامه ۳۴/۱۸۰ مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید و در تاریخ ۳ سپتامبر ۱۹۸۱ به استناد بند ۱ ماده ۲۷ لازم‌الاجرا گردیده است. جدیدترین نشست کمیسیون (اجلاس ۴۸) در ۱۲ مارس ۲۰۰۴ در نیویورک برگزار شد.

۲- این سند «اعلامیه لغو خشونت علیه زنان» نامیده می‌شود. براساس این اعلامیه هرگونه خشونت بر علیه زنان که منجر به صدمه فیزیکی و جنسی و زجر کشیدن آنان و حتی تهدید به چنین اعمالی چه در منظر عام و چه خصوصی شود منع گردیده است. ماده دو این اعلامیه لیستی از این نوع خشونت‌ها را ارائه می‌دهد. ماده سه زن را محق برخورداری برابر کلیه حقوق و آزادی‌های اساسی در زمینه سیاسی، اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی و مدنی می‌داند.

مشاغل مدیریتی دنیا در دست آنان است و در کشورهای در حال توسعه زنان فقط یک ششم مقامات وزارتی را بر عهده دارند. اخیراً ۳/۶ میلیون دلار براساس پروژه کمک اضطراری صندوق جمعیت سازمان ملل متحد^(۱) به زنان حامله فلسطینی که در اثر فعالیت‌های نظامی، مقررات منع رفت و آمد و محدودیت‌های موجود در این زمینه در سرزمین‌های اشغالی برقرار شده کمک شد. روزنامه «هندو» چاپ دهلی نو اخیراً گزارش داد که حدود ۳۰۰۰ کودک بین ۴ تا ۱۳ سال از جمله دخترانی که حتی نام شریک زندگی خود را که با او پیوند زناشویی می‌بندند نمی‌دانند به‌طور جمعی ازدواج کردند. (ن.ک. رهنورد، ۱۳۶۶) در بنگلادش مطالعه وزارت زنان و امور کودکان نشان می‌دهد که تقریباً نیمی از زنان زیر سن ۱۵ سال ازدواج می‌کنند و یک چهارم جمعیت این کشور مادرانی هستند که سن آنها زیر ۱۵ سال است. بی شک قربانیان این زجر و شکنجه جنسی دختران معصومند. زنان هنوز در عربستان علی‌رغم تصویب کنوانسیون ۱۹۷۹ توسط این کشور حق راندگی ندارند و آن‌گونه که شاهزاده نایف در ۲۶ آوریل ۲۰۰۱ اظهار نمود برداشتن این ممنوعیت جزء سیاست‌های دولت نمی‌باشد. در این کشور تنها در پایان سال ۲۰۰۱ بود که حق داشتن شناسنامه به زنان داده شد ولی هیچ سازمان حقوق بشری در مورد حقوق زنان در عربستان وجود ندارد و هیچ زنی عضو مجلس شورا که یک ارگان مشورتی برای قوه مجریه است نمی‌باشد. در کشورهای دیگر حوزه خلیج فارس مثل کویت، قطر و بحرین وضع بهتر از عربستان نیست. در آفریقا بیشترین غذا توسط زنان تولید می‌شود در حالی که بیشترین زمین‌ها متعلق به مردان است. در آفریقای جنوبی هزاران دختر از نژاد و گروه‌های مختلف اقتصادی قربانیان تجاوز جنسی هستند. در آسیای جنوب شرقی و اروپا قاچاق زنان و دختران و گرفتن صور قبیحه^(۲) موضوع تجارت عده زیادی از سودجویان است. علاوه بر سوءاستفاده جنسی در زندان‌های آمریکا (گزارش سال ۱۹۹۶ دیده‌بان حقوق بشر)، بنا به گزارش سازمان عفو بین‌الملل در سال ۱۹۹۸ در زندان‌های آمریکا علاوه بر شرایط فیزیکی سخت، عملیات امنیتی شدید و واحدهای امنیتی باعث نقض استانداردهای زندگی خصوصی زنان گردیده است به نحوی که در تمام لحظات زنان زندانی که تعدادشان بیش از ۱۴۸۰۰۰ می‌باشد تا تحت مشاهده نگهبانان مرد هستند.

بالاخره در ایران، صرفنظر از موارد دیگر، در حالی که براساس سرشماری سال ۱۳۷۵ زنان

1- United Nations Fund for Population Assistance (UNFPA).

2- Pornography.

۴۹/۲ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند فقط ۱۹/۴ درصد اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها را آنان در دست دارند و از مجموع حدود ۳۰۰ نماینده در مجلس ششم فقط ۱۲ نماینده زن توانستند برای اولین بار در مجلس قانون‌گذاری، حضور پیدا کنند که به نظر می‌رسد تعداد آنان در مجلس هفتم کمتر از این رقم نیز می‌باشد. (Cook, 1994; Kerr, 1993 and Peters et al, 1995)

خانم مری راینسون کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد اخیراً از ایران تقاضا نمود نسبت به تصویب کنوانسیون ۱۹۷۹ اقدام نماید. (راینسون، ۱۳۸۱) همچنین در تاریخ ۱۳۸۳/۸/۳ در کنفرانس خبری مشترک نمایندگان کارگزاری‌های ملل متحد در ایران که به مناسبت ۲۴ اکتبر روز ملل متحد برگزار شد، فردریک لاینز، هماهنگ کننده فعالیت‌های نظام ملل متحد در ایران و نماینده مقیم برنامه عمران سازمان ملل متحد گفت: «بخشی از برنامه‌های سازمان ملل در سال ۲۰۰۴ در ایران ترغیب دولت ایران به امضای کنوانسیون منع هرگونه تبعیض علیه زنان است.» وی اظهار داشت «تاکنون در مذاکراتی که با ایران داشته‌ایم درباره کنوانسیون زنان ناموفق بوده ایم.» (<http://www.ilna.ir/newstiles/?date=1383%2F08%2F03>)

کنوانسیون که عمر آن اکنون به اندازه عمر انقلاب اسلامی ایران است مراحل تأیید خود در هیأت دولت را طی نموده و طی لایحه‌ای در پایان آذر ماه ۱۳۸۰ به مجلس شورای اسلامی ارسال گردید. چون براساس اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی برای لازم‌الاجرا شدن نسبت به ایران باید مراحل تصویب در مراجع ذیصلاح از جمله مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان را طی می‌نمود پس از تصویب مجلس در اول مرداد ماه ۱۳۸۲ برای تأیید به شورای نگهبان ارسال که آن شورا مصوبه را مخالف شرع و قانون اساسی دانسته و فعلاً متوقف شده است. این در حالی است که موج مخالفت شدیدی علیه تصمیم قوای مجریه و مقننه در بین پاره‌ای از فقها به عنوان مانع بزرگی برای تصویب نهایی تلقی می‌گردد. این مقاله به همین بهانه بر آن است تا ضمن پرداختن به حقوق بین‌الملل زنان با نگاهی تازه به مفاد کنوانسیون مذکور و در شرایط تصویب احتمالی آن از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام، تجزیه و تحلیل حقوقی خود را از دیدگاه حقوق بین‌الملل زنان با نگاهی تازه به مفاد کنوانسیون مذکور و در شرایط تصویب احتمالی آن از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام، تجزیه و تحلیل حقوقی خود را از دیدگاه حقوق بین‌الملل جهت آشنایی علاقه‌مندان به موضوع مربوط به حقوق بشر ارائه نماید. یکی از اهداف نویسنده در انتخاب این موضوع ترسیم نمودن موانعی است که در برابر تصویب و اجرای کنوانسیون حقوق زن در ایران وجود دارد. در ابتدا نگاهی تاریخی نسبت به حقوق بین‌الملل زن ضروری

می‌نماید.

۲- تاریخ توسعه حقوق بین‌الملل زنان

در مطالعه تاریخ تحول اسناد بین‌المللی در مورد حقوق زن سه دوره متمایز وجود دارد که هر یک منعکس کننده تصورات مختلف در مورد زنان و دیدگاه‌های مختلف در مورد حقوق و جایگاه آنان در جامعه است. (ن.ک. Lockwood, 1998)

دوره اول که از آن تحت عنوان «دوره حمایتی» یاد شده و در آن به زنان به عنوان گروهی که نباید یا نمی‌توانند به فعالیت‌های خاصی بپردازند نگاه شده و زن به عنوان پیرو در نظر گرفته می‌شود. مقررات در این خصوص فقط در مورد زنان قابل اعمال است نه مردان. زن به عنوان همسر و مادر بیشتر نقش داخلی و سنتی دارد. بنابراین از آنجا که زنان مانند کودکان قادر به حمایت همه‌جانبه از خود نیستند قانون باید نقش حمایتی از آنان را داشته باشد. به‌طور مثال کنوانسیون مربوط به کار در شب زنان شاغل در صنعت که در سال‌های ۱۹۳۴ و ۱۹۴۸ توسط کنفرانس عمومی سازمان بین‌المللی کار طراحی گردید، این دیدگاه را پذیرفته است. (321 UNTS 63 UNTS 40, 81) لذا همان‌طور که دیده می‌شود اسناد این دوره جهت حمایت زن در برابر برخی آسیب‌ها او را از پاره‌ای امور منع می‌کند نه اینکه نوعی از حقوق را برایش به رسمیت بشناسد.

در دوره دوم به زن به عنوان یک «گروه مجزا» که نیاز به رفتار خاص با او و مراقبت ویژه دارد نگاه می‌شود. عقیده بر این است که در موارد خاصی با زنان عادلانه رفتار نمی‌شود. لذا از این دوره به عنوان «دوره اصلاح» یاد می‌کنند بدین معنی که قوانین باید در جهت مراقبت خاص از زنان تغییر یافته و یا اصلاح گردد. در این دوره نیز قوانین به زنان به عنوان یک طبقه بدون در نظر گرفتن مردان نگاه می‌کند زیرا مردان به عنوان قربانی نقض حقوق محسوب نمی‌گردند. به عنوان مثال، قربانیان فاحشه‌گری نه مردان بلکه زنان هستند. همچنین است از دست دادن تابعیت به خاطر ازدواج که مخصوص زنان است. به عنوان مثال، کنوانسیون ۱۹۵۷ در مورد تابعیت زنان متأهل که در تاریخ ۱۱ اوت ۱۹۵۸ لازم‌الاجرا گردیده است؛ کنوانسیون ۱۹۵۲ مربوط به حمایت از زایمان و معاهده ۱۹۵۲ حقوق سیاسی زن که در ۷ ژوئیه ۱۹۵۴ به اجرا درآمد این دیدگاه را پذیرفته‌اند. (309 UNTS 65, 321 UNTS 14, 135 UNTS 193)

دوره سوم «دوره عدم تبعیض» است. بدین معنا که از نظر جنسی به زن و مرد بی‌طرفانه نگاه

می‌شود. هنجارهای این دوره دیدگاهی که زن را به عنوان گروهی مجزا از مردان فرض می‌کند رد می‌نماید و معتقد به رفتار مساوی نسبت به زن و مرد است. البته اسناد بین‌المللی که مبین این دیدگاه هستند برخی از موضوعات را خاص زنان می‌دانند ولی تبعیض جنسی یا رفتار براساس استانداردهای مختلف بر پایه جنس را صریحاً رد می‌کنند. منشور سازمان ملل متحد مثال بارز این نوع اسناد است که به صراحت در مواد ۵۵ و ۵۶ بر این امر تأکید و در مواد ۱۳، ۶۲ و ۷۶ نهادهای مختلفی از جمله شورای اقتصادی و اجتماعی را جهت وصول به این اهداف به وجود می‌آورد. همچنین اغلب مواد کنوانسیون ۱۹۷۹ محو کلیه تبعیضات علیه زنان با تأیید دوره سوم جایگزین دو دیدگاه قبلی گردیده‌اند. مثلاً قاچاق زنان و استثمار آنان به عنوان فاحشه در ماده ۶ کنوانسیون نهمی گردیده است. همچنین ماده ۹ کنوانسیون متعهدین را موظف به رفتار مساوی با زن و مرد از نظر اکتساب و تغییر تابعیت کرده است. در بسیاری از معاهدات و اسناد بین‌المللی دیگر نیز دیدگاه عدم تبعیض دیده می‌شود. برای مثال اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی (میثاقین)، که هر دو در سال ۱۹۶۶ به تصویب رسیده و از سال ۱۹۷۶ لازم‌الاجرا گردیده‌اند و ایران عضو آنها می‌باشد، همگی بر این امر تأکید دارند. البته باید یادآور شد که کنوانسیون ۱۹۷۹ صریح‌تر و مفصل‌تر از سایر اسناد دیدگاه عدم تبعیض را پذیرفته است. این مطلب به‌طور خاص در مواد ۱، ۲، ۳، ۷، ۱۰، ۱۱ و ۱۶ دیده می‌شود.

به‌طور خلاصه باید گفت در حالی که اصولاً نگرانی اساسی در ابتدای قرن بیستم در مورد اموری چون خرید و فروش، اجیر کردن و خودفروشی زنان بود امروزه، گرچه هنوز جامعه جهانی موفق به رفع کامل آنها نشده، نابرابری حقوق زن و مرد در مسائلی چون انتخاب جنین پیش از زایمان به سود نوزاد مذکر، ناقص کردن عضو جنس مونث،^(۱) مسافرت به خارج از کشور متبوع، طلاق، حق دوچرخه‌سواری، حق رانندگی، فلسفه بازگذاشتن دست مردان در صیغه کردن هر چند زن در یک زمان در کنار همسر دائم خود و شرکت در انتخابات نیز نمایان شده و موضوعات اضافه شده بحث محافل حقوقی گشته‌اند. البته باید اشاره شود که پاره‌ای از نگرانی‌های مذکور به کشورهای خاصی مربوط بوده و هنوز دغدغه‌خاطر بین‌المللی محسوب نمی‌گردند.

1- female Circumcision.

۳- منشور بین‌المللی حقوق زنان

مقدمه و ۳۰ ماده کنوانسیون یا منشور ۱۹۷۹ که یکی از ده‌ها سند بین‌المللی در مورد حقوق زن و اعمال تبعیضات مختلف ناروا علیه اوست در راستای اصول مندرج در منشور سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین (میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی)، بر حقوق اساسی بشر و مقام و منزلت هر فرد انسانی صرف‌نظر از جنس، تأکید برابری حقوق زنان و مردان را در زندگی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی به رسمیت شناخته و تنها راه تشکیل نظام مترقی بین‌المللی را براساس مساوات و عدالت در استیفاء برابری بین مردان و زنان می‌داند. به‌طور کلی باید گفت کنوانسیون انسان را به عنوان انسان صرف‌نظر از جنس دارای حقوق می‌شناسد. از نظر این کنوانسیون «تبعیض» عبارت است از هرگونه تمایز، استثناء یا محدودیت مبتنی بر جنس که بر به رسمیت شناختن حقوق بشر زنان و آزادی‌های اساسی آنها و بهره‌مندی و اعمال آن حقوق، بر پایه مساوات با مردان، صرف‌نظر از وضعیت تأهل آنها، در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و دیگر زمینه‌ها، اثر مخرب دارد یا اصولاً هدفش از بین بردن این وضعیت برابر است.

پاره‌ای از اصول و حقوق به رسمیت شناخته شده در این کنوانسیون بین‌المللی عبارتند از: برابری حقوق زن و مرد در کلیه ابعاد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی؛ جایز نبودن تبعیض علیه زنان در کلیه اشکال و توسط هر فرد، سازمان یا شرکت؛ تقسیم مسئولیت بین زن و مرد و جامعه به‌طور کلی در تربیت کودکان؛ لغو مقررات کیفری دربردارنده تبعیضات علیه زنان؛ انجام اقدامات لازم جهت حمایت از زنان باردار و مادران؛ از میان برداشتن تعصبات، سنت‌ها و روش‌های مبتنی بر طرز فکر پست‌نگری و یا برتری‌نگری جنسی و یا نقش‌های کلیشه‌ای برای مردان و زنان؛ جلوگیری از سوءاستفاده از زنان و استثمار آنان؛ اعطای حق شرکت به زنان در کلیه انتخابات و همه‌پرسی‌های عمومی در تمام ارگان‌های منتخب مردمی؛ آزادی انتخاب حرفه و شغل و رفع تبعیض شغلی علیه زنان و برقراری امنیت شغلی و آزادی انتخاب محل اقامت و سکونت؛ ایجاد امکانات و شرایط مساوی با مردان در زمینه شغلی و حرفه‌ای و درجهت اخذ مدرک تحصیلی از موسسات آموزشی در کلیه رشته‌ها و امکانات استفاده از بورس‌ها و سایر مزایای تحصیلی مشابه؛ ایجاد امکانات مشابه برای شرکت فعال زنان در امور ورزشی و تربیت بدنی؛ حق زنان در استفاده از بیمه‌های اجتماعی مختلف از جمله بازنشستگی، بیکاری، بیماری و دوران پیری؛ رعایت اصول بهداشتی برای حفظ سلامتی زنان خصوصاً در دوران بارداری و در

محیط کار؛ تغذیه مناسب زنان و انجام خدمات رایگان در دوران بارداری و دوران شیردهی نسبت به آنان؛ توجه به رفاه اقتصادی زنان و تسهیل دسترسی آنان به وام‌ها و اعتبارات مختلف و تکنولوژی مناسب خصوصاً در مورد زنان روستایی؛ تساوی زنان با مردان در اهلیت قانونی، انعقاد قرارداد، ادارهٔ املاک و شرکت در مراحل مختلف دادرسی در دادگاه‌ها و محاکم؛ برخورداری زنان و مردان از حقوق مساوی و یکسان در مورد انتخاب آزادانه همسر و حقوق و تعهدات مشابه در طی دوران زناشویی و پس از جدایی، و تصمیم‌گیری نسبت به تعداد فرزندان و فاصله زمانی بارداری، قیمومیت، حضانت، سرپرستی و فرزندخواندگی و؛ تشکیل کمیتهٔ رفع تبعیض علیه زنان^(۱) جهت اجرای مفاد این کنوانسیون از میان کارشناسان دارای که صلاحیت نمایندگی اشکال مختلف تمدن و نظام‌های حقوقی جهان را داشته باشند.

قبل از تصویب کنوانسیون مذکور اسناد معتبر بین‌المللی دیگری در جهت تساوی حقوق زن و مرد وجود داشت ولی جهت تأکید، تضمین و رعایت بیشتر و بهتر حقوق زن کنوانسیون جدید به عنوان اولین سند جهانی منع کلیهٔ اشکال تبعیض با روش‌های مؤثرتر حمایتی و اجرایی به تصویب رسید. تا آبان ماه ۱۳۸۳ تعداد کشورهای تصویب‌کننده کنوانسیون به ۱۷۹ کشور یعنی ۹۰ درصد اعضای سازمان ملل متحد رسیده است. «امارات متحده عربی» آخرین کشوری است که این کنوانسیون را در ۶ اکتبر ۲۰۰۴ تصویب کرده است. جالب توجه است که از مجموع ۵۶ کشور اسلامی تاکنون ۴۲ کشور از جمله افغانستان، مصر، اندونزی، عراق، لیبی، سوریه، اردن، بنگلادش و نیجریه کنوانسیون را تصویب کرده‌اند.

۴- کمیتهٔ رفع تبعیض علیه زنان

همان‌طور که اشاره شد جهت اجرای دقیق منشور بین‌المللی حقوق زنان و طبق مادهٔ ۱۷ آن، کمیتهٔ رفع تبعیض در سال ۱۹۸۲ تشکیل شد که مرکب از ۲۳ کارشناس از کشورهای مختلف جهان است. افراد مذکور باید دارای صلاحیت اخلاقی لازم باشند. دولت‌های عضو منشور با رأی مخفی از میان فهرست اشخاصی که دولت‌های تعیین نموده‌اند برای مدت ۴ سال آنان را براساس توزیع جغرافیایی مساوی و نمایندگی عادلانهٔ تمدن‌ها و نظام‌های حقوقی مختلف انتخاب می‌کنند. جالب توجه است که از ابتدای تأسیس تاکنون با فقط یک استثناء کلیهٔ اعضای

1- Committee on the Elimination of Discrimination Against Women.

کمیته را زنان تشکیل داده‌اند. از زمان تشکیل تاکنون ۶۹ کارشناس در کمیته خدمت نموده‌اند. وظیفه اصلی کمیته که اعضایش مستقل از دولت‌های متبوع خود فعالیت می‌کنند نظارت بر اجرای کنوانسیون ۱۹۷۹ در کشورهای عضو است که متعهد به مبارزه با تبعیض علیه زنان شده‌اند. کمیته سالانه دو نشست، هر کدام به مدت حداکثر دو هفته در وین یا نیویورک دارد که گزارش‌های ملی اعضا را در مورد اقدامات قانون‌گذاری، قضایی و اجرایی در زمینه منشور که حداقل هر چهار سال یک بار به کمیته ارائه می‌شود مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین این کمیته می‌تواند در مورد مسائلی که زنان را متأثر می‌کند به دولت‌های عضو پیشنهادات و توصیه‌های لازم را بنماید. کمیته در راستای بررسی گزارشات دوره‌ای کشورهای عضو مسئولیت دارد با آنها وارد «گفتگوی سازنده» شود. هر ساله کمیته گزارش فعالیت‌های خود را از طریق شورای اقتصادی و اجتماعی به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه می‌دهد.

از نظر کمیته مواد ۲ و ۱۶ کنوانسیون اصلی ترین قسمت کنوانسیون را تشکیل می‌دهند. لذا کمیته به خصوص از تعداد زیاد و دامنه وسیع شروط وارد شده از طرف کشورها نسبت به دو ماده مذکور ابراز نگرانی کرده و به همین دلیل ماده ۲ را از «اهداف» اصلی آن تلقی نموده تا بدین وسیله از تعداد شروط نسبت به آن بکاهد. همچنین کمیته معتقد است که شروط وارد بر ماده ۱۶ خواه به دلایل سنتی، مذهبی، فرهنگی یا ملی اعمال شده باشند با کنوانسیون مخالف بوده و لذا شروط مجاز تلقی نمی‌شوند. بنابراین تلاش کمیته بر آن است تا دولت‌ها را تشویق نماید یا شروط خود را مسترد و یا نسبت به تبدیل آنها به شروط مجاز اقدام کنند. با توجه به فرصت کمی که کمیته برای بررسی گزارشات واصله از کشورهای عضو دارد هنوز نتوانسته است در جامعه بین‌المللی به نحو مؤثری ایفاء نقش نماید.

سیزدهمین اجلاس کشورهای عضو کنوانسیون در مقر سازمان ملل متحد در ۵ اوت ۲۰۰۴ برگزار گردید که یکی از برنامه‌های آن انتخاب برخی اعضای کمیته بود. کمیته قرار است سی و سومین اجلاس خود را از ۵ تا ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۵ در مقر سازمان ملل متحد برگزار نماید.

۵- مشکلات مربوط به منشور

با اینکه هم اکنون بیش از ۹۰ درصد اعضای سازمان ملل متحد عضو منشور هستند، در مقایسه با کنوانسیون‌های دیگر راجع به حقوق بشر، این منشور از ضمانت‌های اجرایی ضعیف‌تری برخوردار است. صرف‌نظر از تعداد بسیار زیاد شروط وارد شده توسط دولت‌ها که به نوبه خود

به ضعف کنوانسیون دامن زده است، سه دلیل عمده تاکنون سبب عدم موفقیت آرمان‌های آن بوده است: اول ضعف در سامانه نظارتی کنوانسیون؛ دوم راهکارهای اجرایی ناکافی و سوم مشکلات ناشی از نحوه تنظیم متن کنوانسیون که بیشتر به منظور جذب تعداد زیادتری از کشورها بوده است. لذا جهت اجرای مؤثرتر کنوانسیون راه‌های ذیل باید دنبال گردد: با توجه به وظایف سنگین پیش‌بینی شده در ماده ۲۱ برای کمیته رفع تبعیض علیه زنان، به نظر می‌رسد ماده ۲۰ که مقرر می‌دارد این کمیته به‌طور «عادی» در سال بیش از دو هفته جلسه رسیدگی برای بررسی گزارش‌های رسیده براساس ماده ۱۸ نخواهد داشت، مشکل‌ساز است. طراحان ماده از دید اقتصادی جهت جلوگیری از هزینه بیشتر این محدودیت را گذاشته‌اند در حالی که در عمل وقت زیادتری جهت بررسی وضعیت حقوق زنان و گزارش به مجمع عمومی نیاز است. شاید بتوان این محدودیت را از طریق تفسیر موسع کلمه «عادی» از بین برد تا کمیته با جلسات «فوق‌العاده» خود وظایف خویش را نسبت به منع تبعیض جنسی، بهتر و سریع‌تر انجام دهد. (Fact Sheet No. 22 in <http://www.unhcr.ch/html/menu6/2/fs22.htm>) همچنین این کمیته منابع کافی برای انجام وظایف خطیر خود را در اختیار ندارد. دبیرخانه مستقل، آژانس‌های تخصصی، و منابع مالی بیشتر نقش مؤثری در اجرای وظایف کمیته براساس کنوانسیون خواهد داشت. کمیسیون حقوق بشر در سیستم سازمان ملل متحد در مقایسه با کمیته موصوف از قدرت بالاتری در استماع و تعقیب موارد نقض حقوق بشر برخوردار است، از تعداد پرسنل و بودجه بیشتری بهره‌مند بوده و برای اجرای تصمیماتش راهکارهای بهتری وجود دارد.

مشکل دوم این است که گرچه در سال‌های اخیر وضعیت بهتر شده است ولی هنوز برنامه حمایت از حقوق زن نسبت به سایر مراکز حمایت از حقوق بشر در سازمان ملل متحد در حالت انزوا قرار دارد. این شاید به دلیل وضعیت جغرافیایی محل فعالیت کمیته باشد. ژنو به عنوان پایگاه اصلی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و حقوق بشر به‌طور کلی است در حالی که کمیته رفع تبعیض جلسات خود را در وین و نیویورک تشکیل می‌دهد. تغییر محل جغرافیایی نیز می‌تواند تا حدودی مسئله تبعیض جنسی و مبارزه با آن را به مرکز برنامه‌های سازمان ملل بیاورد و زمینه همکاری‌های بیشتر کمیته را با کمیسیون حقوق بشر فراهم سازد.

در حالی که این کنوانسیون مسائلی چون عدم تبعیض جنسی را مورد بررسی قرار می‌دهد یکی از نواقص آن این است که هیچ‌کجا به صورت مستقیم به خشونت علیه زنان نمی‌پردازد. همچنین این سند نیز مانند خیلی دیگر از اسناد بین‌المللی از محدودیت‌های مربوط به ضعف در

ضمانت اجرا رنج می‌برد.

یکی دیگر از مشکلات کنوانسیون این است که کشورها یا گزارش‌های خود در مورد تعهدات ناشی از آن را به کمیته مذکور در ماده ۱۷ ارسال نمی‌کنند و یا با تأخیر این کار صورت می‌گیرد. کشورهای هم که گزارش می‌دهند یا گزارشاتشان کامل نیست و یا به نحوی گزارش می‌دهند که واقعی نیست. با این حال کمیته می‌تواند پس از بررسی گزارش‌ها فقط توصیه و یا پیشنهاد ارائه دهد.

مشکل دیگر کنوانسیون همان‌طور که در ابتدای این بند اشاره شد شرط‌های زیادی است که توسط کشورها وارد شده است. این علی‌رغم این واقعیت است که بسیاری از شروط با هدف منظور کنوانسیون در تعارضند و لذا براساس رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری ارزش حقوقی ندارند.

همچنین برخلاف ماده ۱۱ کنوانسیون رفع تبعیض نژادی، ماده ۴۱ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۲۱ کنوانسیون منع شکنجه که در آنها مکانیسم شکایت دولت‌ها بر علیه یکدیگر پیش‌بینی گردیده، در این کنوانسیون امکان طرح شکایت از طرف یک دولت بر علیه دولت دیگر به دلیل تبعیض جنسی به‌طور مستقل و بدون در نظر گرفتن تابعیت قربانی نقض حقوق، وجود ندارد. بدین معنی که فقط در صورتی که قربانی نقض تبعه کشور عضوی باشد آن عضو می‌تواند به حمایت از او ذینفع تلقی شده و شکایت بین دولتی مطرح سازد. به عبارت دیگر به نظر می‌رسد مفهوم تعهدات عام‌الشمول^(۱) در کنوانسیون صراحتاً به رسمیت شناخته نشده است. باید یادآور شد که اگرچه عدم پیش‌بینی سیستم شکایات بین دولتی^(۲) و عدم شناسایی صریح قاعده تعهدات عام‌الشمول به خودی خود نقض نمی‌باشد ولی نفع تصریح به آنها برای جامعه بین‌المللی غیرقابل انکار است. نباید فراموش کرد که بند یک ماده ۲۱ کنوانسیون اشاره می‌نماید که کمیته رفع تبعیض علیه زنان از طریق شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل، «گزارشات» و «اطلاعات» ارسالی از طرف دولت‌های عضو کنوانسیون را مورد بررسی قرار داده و نظرات آنها را در گزارش سالانه خود به مجمع عمومی سازمان ملل متحد قید خواهد نمود. با این عبارات به طور ضمنی شکل ضعیفی از شکایت بین دولتی پذیرفته شده است.

در اینجا ذکر این نکته را لازم می‌داند که ضعف اساسی دیگر در کنوانسیون این بود که

1- Erga Omnes.

2- Inter-State.

برخلاف میثاق حقوق مدنی و سیاسی که در پروتکل اختیاری آن و برخلاف کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض نژادی (ماده ۱۴) و کنوانسیون منع شکنجه (ماده ۲۲) که به افراد اجازه طرح دعوا علیه دولت داده شده است چنین امری در زمینه حمایت از عدم تبعیض جنسی وجود نداشت. لذا تصویب یک پروتکل اختیاری و برقراری سیستمی که به افراد نیز مجوز اقامه دعوی علیه دولت خود را بدهد کمک شایانی به اجرای مفاد کنوانسیون می‌نمورد. این خلاء با تصویب قطعنامه شماره A/54/4 مورخ ۶ اکتبر ۱۹۹۹ که از تاریخ ۲۲ دسامبر ۲۰۰۰ لازم‌الاجرا شده است مرتفع گردید. (ن.ک به متن پروتکل خصوصاً ماده ۲ آن را در <http://www.unhcr.ch/html/menu3/b/opt-cedaw.htm>) تا ۵ اکتبر ۲۰۰۴ تعداد ۶۷ کشور از جمله دو کشور اسلامی ترکیه و بوسنی و هرزگوین این پروتکل را تصویب نموده‌اند.

بالاخره سؤال مهمی که باید پاسخ داده شود این است که اگر تمایز بین زن و مرد به شکل مثبت یعنی به صورت اعطای حقی خاص به زنان به منظور ارتقای وضعیت آنها باشد، آیا این خود تبعیض محسوب می‌گردد یا نه؟ به عبارت دیگر آیا منظور از تبعیض، مطلق تبعیض است یا فقط تبعیض علیه زن؟ این امر به این جهت مهم است که حقوق مردان نیز در بسیاری از کشورهای جهان نقض می‌گردد ولی باید به یاد داشت که نقض حقوق آنان به خاطر جنس آنها نیست در حالی که نقض حقوق زنان، در میان دلایلی چون تعلق به قوم یا اقلیتی خاص، به خاطر جنسیت^(۱) است. در کنوانسیون صریحاً تفاوتی بین «تبعیض مثبت» و «تبعیض منفی» صورت نگرفته است. با این حال ماده ۴ آن اتخاذ «تدابیر موقتی خاص» توسط دولت‌های عضو که به منظور تسریع در برقراری تساوی حقوق زن و مرد صورت می‌گیرد را تبعیض مورد نظر کنوانسیون نمی‌داند اما تصریح می‌کند که تدابیر مذکور به هیچ وجه نباید سبب ایجاد استانداردهای نابرابر و جداگانه شده و هنگامی که اهداف مربوط به ایجاد فرصت و رفتار مساوی تحصیل شود این تدابیر موقتی باید متوقف گردند.

ع- ایران و منشور بین‌المللی حقوق زنان

از دیرباز حرکت‌های آزادیخواهانه در میان زنان ایرانی وجود داشته است (ن.ک. بارتلمه، ۱۳۳۷، ص ۱۲ به بعد) زمانی که یونانیان زن را «حیوان گیسو دراز» می‌خواندند شخصیت‌های برجسته‌ای

در میان زنان ایرانی وجود داشتند. در زمان حکومت قاجار در ایران نسبت به قبل از آن زنان تا حدودی موفق به تحصیل اهداف ملی خود شدند. تشکیل مدارس برای زنان و انتشار روزنامه‌ها و مجلات برای آنان از اولین گام‌ها محسوب می‌گردد. پس از انقلاب مشروطه حقوق زنان توسعه یافت. در «قانون حمایت خانواده» قبل از انقلاب اسلامی، تعدد زوجات و حق انحصاری مرد در طلاق لغو گردید و قوانینی که حکومت مرد بر زن را در اشتغال و مسافرت به رسمیت شناخته بود اجرا نمی‌گردید. با این حال حقوق و برابری زن و مرد هرگز جزء اصلی اهداف جنبش‌های متعدد در ایران نبوده است.

اکنون علاوه بر بند ۱۴ اصل سوم، اصل ۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دولت را موظف نموده است تا حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و زمینه‌های مساعد را برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او، حمایت از مادران، ایجاد دادگاه صالح خانواده و غیره انجام دهد. (عبادی، ۱۳۷۳ و مهرپور، ۱۳۷۹) آنچه در این اصل نکته کلیدی است عبارت «موازین اسلامی» است که تأییدی بر اصل ۴ قانون اساسی است. در این راستا از جمله تعارضات مقام زن در حقوق بین‌الملل و حقوق ایران، (ن.ک. مهرپور، ۱۳۷۴، صص ۲۳۸-۲۱۳ و مطهری، ۱۳۷۰) ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر است که مقرر می‌دارد هر زن و مرد بالغی حق دارند بدون هیچ‌گونه محدودیتی از نظر نژاد، ملیت یا مذهب با همدیگر زناشویی کنند. به علاوه کنوانسیون «برابری» را مترادف «مساوات و تشابه» به کار برده است و این مفهوم برابری بین دو جنس به نظر می‌رسد در حقوق اسلام وجود نداشته باشد. به عبارت دیگر کنوانسیون «برابری دو جنس» ولی حقوق اسلام «ارزش برابر دو جنس» را به رسمیت می‌شناسد. در قرآن کریم آیات متعددی بر تساوی خلقت زن و مرد، وحدت نوع و برابری در ملاک ارزشمندی آنها وجود دارد. (ن.ک. آیه ۱۳ سوره حجرات، آیه ۱ سوره نساء و آیه ۷۱ سوره توبه) با این حال با توجه به کلی بودن متون اسلامی حداقل دودیدگاه متفاوت هم اکنون بین فقها و اندیشمندان اسلامی در کشور وجود دارد: اول دیدگاهی که گرچه به زن به عنوان یک انسان مشابه و مماثل مرد نمی‌نگرد ولی او را برابر و مساوی مرد می‌داند و دوم دیدگاهی است که به زن به عنوان جنس دوم نگاه می‌کند. (ن.ک. کدیور، ۱۳۷۵)

ماده ۲۴ کنوانسیون ۱۹۷۹ مقرر می‌نماید که دول عضو متعهدند کلیه اقدامات لازم در سطح داخلی را که هدف از آن تحقق کامل حقوق زن است و در این کنوانسیون به رسمیت شناخته شده، به عمل آورند. از جمله اقداماتی که هر عضو متعهد به انجام آن است می‌توان از گنجاندن

اصل عدم تبعیض بین زن و مرد در قانون اساسی و قوانین دیگر، ایجاد مکانیسم قوی ضمانت اجرای کنوانسیون از قبیل ایجاد دادگاه‌های صالح برای جلوگیری از نقض حقوق زنان، تغییر، اصلاح و لغو قوانین و مقررات تبعیض‌آمیز علیه آنان و تقدیم گزارش براساس ماده ۱۸ کنوانسیون به کمیته رفع تبعیض علیه زنان نام برد.

مجلس ششم و دولت جدید اقدامات نسبتاً خوبی را در جهت انطباق قوانین کشور با استانداردهای بین‌المللی شروع کردند. به‌عنوان مثال در اجرای ماده ۳ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و مواد ۲ و ۳ میثاق حقوق فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، در یک حرکت سمبولیک مجلس شورای اسلامی مصوبه‌ای را گذراند که ضمن لغو ماده ۳ قانون اعزام دانشجویان سال ۱۳۶۴ که براساس آن زنان مجرد بتوانند با استفاده از بورس دولتی در خارج از کشور تحصیل کنند. به‌علاوه از جمله اقدامات اصلاحی می‌توان از تعدادی از طرح‌ها و لوایح تصویب شده و یا در دست بررسی مجلس به شرح ذیل نام برد: طرح اصلاح مواد ۱۱۰۷ و ۱۱۱۰ قانون مدنی در مورد نفقه؛ ماده ۱۱۳۳ درباره تغییر اختیار مطلق طلاق توسط مرد؛ ماده ۱۱۶۹ و ۱۱۷۰ در مورد حضانت و نگهداری کودک و مواد ۱۱۸۴ و ۱۱۸۶ در خصوص قیمومیت یا طرح الحاق یک تبصره به ماده ۱۱۳۰ در مورد عسر و حرج زوجه؛ طرح اصلاح تبصره ماده ۱۰۴۱ در مورد تعیین حداقل سن برای ازدواج دختران؛^(۱) طرح الحاق یک تبصره به ماده ۹۴۸ در بحث میراث زوجه؛ طرح اصلاح موادی از آئین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی در خصوص تشکیل کمیسیون خاص خانواده، زنان و جوانان یا طرح حمایت از کودکان و نوجوانان در راستای تصویب کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۳۷۲ توسط ایران؛ و طرح نحوه اهداء جنین به زوجین نابارور از جمله اقدامات قوه قانون‌گذاری کشور به شمار می‌روند.

با این حال قبل از پیوستن، ایران باید موضع خود در مورد زنان را نسبت به ممنوعیت از اشتغال به قضاوت، تصدی ولایت و حکومت، اشتغال در نیروهای مسلح، محدودیت شغلی زن شوهردار، ارث، ارزش شهادت، محدودیت در انتخاب همسر (لزوم اجازه ولی برای ازدواج دختر باکره و ازدواج با مرد غیرمسلمان)، وضعیت متفاوت زن و مرد نسبت به تعدد زوجات و نسبت به انحلال نکاح (ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی)، مجازات زن به وسیله شوهر (ماده ۶۳۰ قانون

۱- در مورد سن ازدواج هیچ یک از کنوانسیون‌های بین‌المللی به‌طور آشکار آن را تصریح نکرده‌اند ولی یونسف و صندوق جمعیت سازمان ملل حداقل سن ۱۸ سال را پیشنهاد نموده‌اند. این در حالی است که اخیراً با پیشرفت‌های حاصل شده، ایران سن ۱۳ سال برای دختر و ۱۵ سال برای پسر را پذیرفته است.

مجازات اسلامی)، و تفاوت دبه زن و مرد (ماده ۲۰۹ قانون مجازات اسلامی) که با تعهدات مندرج در این کنوانسیون در تعارض آشکار است، مشخص نماید. در میان ایرادات زیادی که نسبت به قوانین حاکم بر زنان در ایران وارد می‌شود، منتقدین معتقدند براساس ماده ۱۰۲ قانون مجازات اسلامی در نحوه مجازات سنگسار بین مرد و زن تبعیض وجود دارد زیرا زن تا گردن در حالی که مرد تا سینه زیر خاک قرار می‌گیرند. چون پیش‌بینی شده است که در صورت فرار شخص مورد نظر دیگر مجازات نمی‌شود بدیهی است مرد امکان فرارش بیشتر است. همچنین براساس ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی سن ازدواج برای دختر ۹ سال است و با اجازه ولی، صغیره می‌تواند در پایین‌تر از این سن نیز به عقد دیگری درآید. بنابراین با در نظر گرفتن ماده مربوط به زنا اگر دختر ۹ ساله‌ای که شوهردار بوده مرتکب زنا گردد باید سنگسار گردد. باید یادآور شد که اخیراً با تصویب مجمع تشخیص مصلحت این سن به ۱۳ افزایش پیدا کرده است. بالاخره از دیگر انتقادات منتقدین این است که چرا قانون اساسی اجازه رئیس جمهور شدن را به زنان نمی‌دهد؟

بنابراین با توجه به تلاش ایران در پیوستن به کنوانسیون به نظر می‌رسد این کشور باید تغییرات و اصلاحات متعددی را جهت انطباق حقوق داخلی با مفاد کنوانسیون انجام دهد، از جمله اینکه: الف) هیأتی مرکب از متخصصین حقوقی را جهت بررسی قوانین تبعیض‌آمیز موجود بگمارد تا به‌طور شفاف مواردی که کنوانسیون به دلیل مغایرت با اسلام در ایران قابلیت اجرا ندارد مشخص نمایند. مثلاً اینکه زنان در ایران دوچرخه‌سواری نمی‌کنند، آیا به دلیل خلاف شرع بودن است یا عرف سنتی مردم هنوز این امر را تأیید نکرده است؟ ب) قوانین خاص جهت جلوگیری از تبعیض علیه زنان به تصویب برسانند. ج) با توجه به اینکه بسیاری از تبعیضات علیه زنان در خانه صورت می‌گیرد و به صورت خصوصی است و به همین دلیل اثبات آنها با توجه به قوانین فعلی حاکم بر ادله اثبات دعوی در کشور برای زنان غیرممکن و یا بسیار مشکل است، باید شرایطی را فراهم نمود که بخش عمده اثبات عدم انجام تبعیض بر دوش مردان باشد. د) ایجاد مرکز اطلاع‌رسانی و مشاوره حقوقی برای زنان جهت بالا بردن سطح آگاهی آنان نسبت به حقوق خود. ح) ضمانت اجرای قوی جهت مجازات تبعیض‌گران از قبیل پلیس مؤثر و تشکیل محاکم قوی و خاص. و) ایجاد نظام سهمیه‌بندی در مورد مشارکت زنان در ساختار قدرت و تصمیم‌گیری‌های کشور آن‌گونه که در کشورهایی چون بلژیک و فرانسه وجود دارد. در بلژیک زنان باید ۳۳/۳ درصد و در فرانسه ۵۰ درصد از فهرست اسامی نامزدهای احزاب برای انتخاب

در مجالس ملی و سنا، شهرداری‌ها و پارلمان اروپا را تشکیل دهند. ز) و بالاخره یکی دیگر از اقدامات مهمی که در جهت حل مسائل و مشکلات زنان باید مورد توجه جدی قرار گیرد، نحوه نگاه قوانین ایران به بیش از صد سازمان غیردولتی زنان است که هم‌اکنون در کشور فعالیت می‌نمایند. بها دادن به فعالیت این سازمان‌ها گام مؤثری در توسعه حقوق آنان محسوب می‌گردد.

۷- مروری بر لایحه الحاق مشروط ایران

لایحه مذکور به همت وزارت امور خارجه تدوین و در ۱۳۸۰/۱۱/۲۳ به تصویب هیأت وزیران رسید. در مقدمه لایحه تقدیمی دولت به مجلس آمده است که با توجه به لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان از شهریور ماه ۱۳۶۰ شمسی و نیز الحاق اکثر دولت‌های جهان به ویژه کشورهای اسلامی به آن و نظر به آثار مثبت ناشی از الحاق مشروط ایران به کنوانسیون مذکور مشتمل بر لحاظ ارزش‌های اسلامی و منافع ملی؛ برقراری نقش فعال و مؤثر برای کشور در مجامع و نهادهای بین‌المللی ذی‌ربط؛ بستر سازی فرهنگی، حقوقی - سیاسی برای بهره‌مندی کشور از ظرفیت‌های مقرر در کنوانسیون در راستای تقویت نقش بانوان مسلمان و تبیین مناسب از وضعیت زنان در اسلام و ایران؛ جلوگیری یا کاهش پیامدهای منفی از جمله تبلیغات علیه نظام جمهوری اسلامی ناشی از عدم الحاق برای کشور؛ زمینه‌سازی برای بروز وحدت نظر مراجع ذیصلاح و مؤثر در تصمیم‌گیری مربوط به الحاق دولت به این کنوانسیون و به منظور برخورداری کشور از مزایای الحاق به کنوانسیون، لایحه زیر طی تشریفات قانونی تقدیم می‌شود: «ماده واحده، به دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود به کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان به شرح پیوست منوط به برقراری تحفظات و شروط زیر ملحق گردد و اسناد مربوط را تودیع و تسلیم نماید: الف) جمهوری اسلامی ایران مفاد کنوانسیون مذکور را در مواردی که با شرع مقدس اسلامی مغایرت نداشته باشد قابل اجرا می‌داند؛ ب) جمهوری اسلامی ایران خود را موظف به اجرای بند (۱) ماده (۲۹) این کنوانسیون در خصوص حل و فصل اختلافات از طریق داوری یا ارجاع به دیوان بین‌المللی دادگستری نمی‌داند.»

لایحه الحاق در کمیسیون فرهنگی به عنوان کمیسیون اصلی پس از بحث و بررسی به تصویب رسید. مجلس شورای اسلامی روز چهارشنبه ۱ مرداد ۱۳۸۲ منشور مذکور را تصویب اما به دلیل برخی شبهه‌های وارده از طرف شورای نگهبان مغایرت آن با شرع و قانون اساسی

اعلام شد. شورای نگهبان، در نامه‌ای به رئیس مجلس شورای اسلامی، مواد کنوانسیون را مغایر با ۹ اصل قانون اساسی و خلاف ضروریات دین اسلام، از جمله ارث، قصاص، دیه، طلاق، شهادت، حجاب و تعدد زوجات دانست. در پاسخ شورای نگهبان آمده است: «موارد خلاف شرع و مغایر با قانون اساسی بسیار زیاد است به طوری که شرط عدم قبول اجرای مفاد کنوانسیون در موارد تحفظ پذیرفته نیست... شرط عدم قبول اجرای مفاد کنوانسیون با اهداف منظور در آن سازگار نیست و در نتیجه دولت جمهوری اسلامی ایران ملزم به پذیرش مفاد آن در موارد تحفظ می‌شود. بنابراین تجویز الحاق دولت به این کنوانسیون خلاف ضروریات اسلام، و مغایر با ضوابط مسلم اسلام و اصول متعدد قانون اساسی شناخته شد». (<http://www.zanan.co.ir/news/00128.html>) لذا بررسی و تصویب نهایی آن فعلاً به تعویق افتاده است.

۸- نظرات موافقان و مخالفان الحاق ایران

به‌طور کلی در ایران طیف‌های مختلف فکری و سیاسی از مخالفان جدی الحاق تا موافقان مطلق و بی‌قید و شرط را می‌توان مشاهده کرد. مخالفان، روح کلی حاکم بر این کنوانسیون را با روح کلی حاکم بر قوانین و موازین شرع مقدس اسلام مغایر می‌دانند و الحاق را که با هدف رفع تبعیض صورت می‌گیرد به معنای محو قوانین اسلامی دانسته و آن را مایه ذلت و خواری نظام اسلامی تلقی می‌نمایند و با اذعان به دردآور بودن این امر اولین قربانی الحاق را جسم خسته و روح تسخیرشدنی زن می‌دانند. (روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۵۳۰۹ و همشهری، شماره ۲۷۰۷ مورخ ۸/۲/۸۱) مخالفان معتقدند الگوی متعالی در دفاع از شخصیت و حقوق زنان، الگوی «تناسب محور» است که ضمن پافشاری بر برابری زن و مرد در انسانیت، حقوق و فرصت‌ها را متناسب با کارآمدی و نقش هر یک از دو جنس تنظیم و برنامه‌ریزی اجتماعی را براساس اعتنا به این نقش‌ها ارائه می‌کند. مخالفان با اشاره به پیامدهای منفی «جهانی سازی»^(۱) حتی الحاق مشروط را زمینه‌ای برای الحاق مطلق می‌دانند.

مخالفین الحاق تاکنون حداقل در متوقف کردن مصوبه مذکور در قوه قانون‌گذاری کشور موفق بوده‌اند. عده‌ای از نمایندگان جناح اقلیت مجلس ششم با مراجعه به برخی از فقها، نظر آنها را در مورد اعلام غیرشرعی بودن پیوستن ایران به کنوانسیون تحصیل نمودند (ن.ک. مرکز تحقیقات

1- Globalization.

فقهی قره‌فضانیه، ۱۳۷۷).^(۱) روزنامه رسالت در تاریخ ۲۹ اردیبهشت نامه منیره نوبخت، رئیس شورای فرهنگی - اجتماعی زنان و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی به آیت‌الله لطف‌الله صافی را چاپ کرد که نظر وی را درباره الحاق ایران به کنوانسیون محو تبعیض علیه زنان جویا شده بود. نوبخت قبلاً گفته بود این لایحه دارای اشکالات اساسی است و حتی موافقان پیوستن کشورمان بر این باورند که اشکالات حقوقی و شرعی زیادی دارد، اما می‌گویند پس از الحاق می‌توانیم حرف‌هایمان را درباره آن مطرح نماییم و الحاق به کنوانسیون فرصت حضور در عرصه بین‌المللی را به ما می‌دهد. به عقیده وی «صحبت ما این است که تریبون برای گفتن حرف‌هایمان زیاد است. آیا تنها راه ابراز حضور، الحاق به کنوانسیون است؟»

جالب توجه است که علی‌رغم تلاش‌های گسترده زنان نماینده در مجلس ششم برای تصویب کنوانسیون، خبرگزاری ایلنا در ۱۱ خرداد ۸۳ از قول فاطمه آلیا نماینده تهران در مجلس هفتم نقل نمود که «زنان اصولگرای مجلس هفتم، مخالف الحاق ایران به کنوانسیون منع هرگونه تبعیض علیه زنان هستند.» وی گفته است «فراکسیون زنان مجلس هفتم بر روی لایحه الحاق ایران به کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان کار کارشناسی می‌کنند... بسیاری از خانم‌های مجلس در این زمینه صاحب نظر هستند، اما الحاق به این کنوانسیون را قبول ندارند.»

از سوی دیگر برخی الحاق مشروط به این کنوانسیون را موجب اعتبار نظام اسلامی دانسته و معتقدند که رفع تبعیض علیه زنان به منزله نقض قوانین اسلام نیست و پیوستن به این کنوانسیون یک قدم مثبت برای یافتن فرصت بیشتر و بهتر در جهت طرح دیدگاه‌ها است و عدم الحاق این امر را تداعی خواهد کرد که نظام اسلامی قائل به تبعیض بین زن و مرد است. بنابراین کاهش بار سنگین انتقادات و بهانه‌جویی‌ها علیه ایران و رفع اتهام نقض حقوق بشر از فواید پیوستن به این کنوانسیون می‌باشد. در این میان عده‌ای نیز معتقدند که مسئله الحاق بیشتر از ریشه اقتصادی برخوردار است و برای اثبات ادعای خود به رد تقاضای عضویت ایران در سازمان تجارت

۱- مثلاً آیت‌الله فاضل لنکرانی اظهار داشته است: «الحاق ایران به معاهده مذکور که متضمن خلاف شرع بین است جایز نیست.» آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی نیز اظهار نموده است: «این معاهده خلاف تعلیمات اسلام است و بنیان خانواده‌ها را متزلزل می‌کند.» آیت‌الله میرزا جواد تبریزی نیز هر قانون و قرارداد مخالف شرع اسلام را بی‌اعتبار دانسته و اطاعت از آن را جایز ندانسته است. آیت‌الله مشکینی، رئیس مجلس خبرگان رهبری نیز در دیدار با رئیس و مدیران کل بنیاد شهید، کنوانسیون را یکی از توطئه‌های دشمنان دانسته و گفته است: «دشمنان قصد دارند با دسیسه‌های مختلف اسلام را از این مردم بگیرند. همه باید برای اینکه بتوانیم در مقابل توطئه‌های گوناگون دشمنان ایستادگی کنیم لحظه‌ای دست از رهبر معظم انقلاب اسلامی و مراجع عظام برنداریم.»

جهانی برای شانزدهمین بار به دلیل نپذیرفتن مقررات جهانی تجارت از جمله کمی‌رایت و به رسمیت نشناختن موازین حقوق بشر به خصوص در مورد زنان استناد می‌کنند. همچنین حفظ اعتماد اتحادیه اروپا و از دست ندادن حمایت‌های آن در برابر تهدیدات آمریکا از دلایل سیاسی و مصلحت‌های پیوستن ذکر شده است.

آیت‌الله منتظری تنها مرجعی است که پیوستن مشروط ایران به کنوانسیون را تأیید کرده است. وی طی پیامی که از سوی خبرگزاری کار ایران منتشر شد اعلام کرده است که «اگر پیوستن به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان و شرکت در جلسات آن مستلزم رأی دادن به مصوبه‌های خلاف احکام قطعی اسلام نباشد، اشکال ندارد... عدم شرکت در کنوانسیون‌ها و سازمان‌های بین‌المللی انزوای سیاسی ایران را در پی خواهد داشت و به زیان این کشور است.»
(<http://www.bbc.co.uk/persian/iran/030811-mf-montazeri.shtml>)

بعضی دیگر این شکل از الحاق را که توسط دولت به صورت رزرو و شرط عام «عدم مغایرت با شرع مقدس اسلام» پیشنهاد شده است، کلی و مبهم و غیرقابل قبول چه از نظر داخلی و چه از نظر بین‌المللی قلمداد کرده و آن را فاقد اثر لازم توصیف می‌نمایند. (روزنامه همشهری، شماره ۲۷۰۷، مورخ ۸/۲/۸۱)

از مطالب فوق می‌توان دریافت که راه‌هایی که ایران در پیش دارد می‌توند یکی از موارد ذیل باشد: ۱) عدم پیوستن به کنوانسیون ۲) الحاق بدون قید و شرط ۳) الحاق با گنجاندن شرط یا شروط. به نظر می‌رسد راه حل سوم که مورد نظر لایحه دولت نیز می‌باشد در شرایط فعلی کشور از جایگاه قوی‌تری برخوردار است.

۹- جایگاه قانونی الحاق ایران با اعمال شرط یا شروط

تا قبل از جنگ جهانی اول اصولاً اگر دولتی مایل به استفاده از حق شرط در معاهده‌ای بود باید مورد موافقت کلیه کشورهای عضو آن معاهده قرار گیرد. لذا اگر شرط مورد موافقت همه نبود کشوری که تمایل داشت از شرط استفاده کند یا باید اصلاً ملحق نمی‌شد و یا اگر می‌خواست ملحق شود شرطی وارد نکند. این امر مورد اختلاف بود تا اینکه در سال ۱۹۵۰ در مورد کنوانسیون منع و مجازات جرم نسل‌کشی شدیدتر گردید و مجمع عمومی سازمان ملل متحد ناگزیر از دیوان بین‌المللی دادگستری در این خصوص نظر مشورتی درخواست نمود. (Reservations, Advisory Opinion of 28 May 1951) دیوان بر این نظر بود که نسبت به کشوری

که مخالف اعمال شرط کشور دیگری است تا جایی که شرط گنجانده شده با هدف^(۱) و منظور^(۲) کنوانسیون همخوانی نداشته باشد آن کشور می‌تواند کشور واردکننده شرط را عضو کنوانسیون تلقی نکند. اما کشوری که شرط وارد شده توسط کشور دیگر را مخالف هدف و منظور معاهده نمی‌داند می‌تواند گنجاننده شرط را عضو کنوانسیون محسوب نماید.

براساس بند ۳ ماده ۲۵ برای لازم‌الاجرا شدن، کنوانسیون زن باید به تصویب مقامات ذیصلاح کشورها برسد. مطابق با حقوق بین‌الملل معاصر و ماده ۱۹ معاهده ۱۹۶۹ حقوق معاهدات وین، که ایران هنوز آن را تصویب نکرده است، اصولاً کشورها می‌توانند از حق شرط استفاده نمایند مگر اینکه: الف) خود معاهده اعمال هرگونه شرطی را ممنوع نموده باشد، ب) خود معاهده اعمال شروط خاصی را اجازه داده که شرط مورد نظر جزء آنها نباشد و ج) در غیر موارد الف و ب، شرطی که قرار است وارد شود با هدف و منظور معاهده ناسازگار باشد.

با رعایت اصل «حاکمیت کشورها» این کنوانسیون در بند ۱ ماده ۲۸ مجوز استفاده از شرط را داده است ولی در بند ۲ همین ماده اعتبار هرگونه شرطی را منوط به منطبق بودن با هدف و منظور کنوانسیون ساخته است. لذا چون منظور اصلی در حقوق بین‌الملل این است که تا جایی که ممکن است کشورها عضو معاهدات شوند این درست نیست که به خاطر یک شرط کم‌اهمیت باعث عدم عضویت کشوری شویم. اما هم نسبت به گنجاننده شرط و هم نسبت به اعتراض‌کننده به آن شرط محدودیت وجود دارد. شاید بتوان گفت یکی از علل آزاد نبودن دولت‌ها در گنجانیدن مطلق شرط یا شروط، آن‌گونه که در کنوانسیون ۱۹۶۹ حقوق معاهدات پیش‌بینی گردیده، تنظیم رابطه حقوقی معقول بین واردکننده شرط، که دامنه شمول معاهده را محدود می‌نماید، و دولت‌های عضو همان معاهده که از حق شرط استفاده نمی‌کنند باشد. البته باید یادآور شد که یکی از خصوصیات که کنوانسیون زن دارد این است که مانند بقیه کنوانسیون‌های حقوق بشر اساساً از ویژگی‌های متفاوت با معاهدات سنتی برخوردار است. معاهدات سنتی بیشتر ماهیت قراردادی دارند در حالی که در کنوانسیون‌های حقوق بشری از جمله این کنوانسیون موافقت بین کشورها برای پذیرش تعهد متقابل به نفع افراد ثالثی که در قلمرو صلاحیت آنها قرار گیرند (مانند اتباعشان) می‌باشد.

بنابراین، ایران می‌تواند با استفاده از این حق به کنوانسیون ملحق شود ولی شرط یا شروط

1- Object.

2- Purpose.

احتمالی آن نباید از نظر ماهیت مخالف مقتضای ذات کنوانسیون باشد. به عبارت دیگر چون «هدف و منظور» از کنوانسیون «عدم تبعیض بین زن و مرد» است هرگونه قید و شرطی که منجر به تبعیض آن‌گونه که خود کنوانسیون آن را تعریف کرده گردد فاقد اثر حقوقی است. البته این نکته که اگر شرط مخالف هدف معاهده بود، آیا شرط باطل است یا خود تصویب یا الحاق محل نزاع است، با توجه به ماده ۱۹ معاهده حقوق معاهدات و بند ۲ ماده ۲۸ کنوانسیون به نظر می‌رسد فقط شرط باطل است.

دقت در شروط قید شده توسط کشورهای مسلمان نیز جالب است. اصولاً کشورهای مسلمانی که کنوانسیون را با حق شرط پذیرفته‌اند خط قرمز را «عدم مغایرت با شرع» ذکر کرده‌اند و لذا نسبت به مواد ۲ «عدم تبعیض»، ۹ «تابعیت»، ۱۵ (تساوی در برابر قانون) و ماده ۱۶ (نکاح و روابط خانوادگی) شرط وارد نموده‌اند. بنابراین گرچه ایران می‌تواند استثنائاتی را بر دامنه شمول کنوانسیون وارد کند، همان‌طور که بیش از یک سوم اعضای فعلی کنوانسیون خصوصاً کشورهای مسلمان چنین کرده‌اند، ولی از دیدگاه حقوق بین‌الملل همان‌گونه که اشاره شد این استثنائات نمی‌توانند با ماهیت کنوانسیون در تعارض باشند. البته نه در نظریه مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری و نه در کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ صریحاً مشخص نشده است که چطور می‌توان مطابقت یا عدم مطابقت با هدف و منظور معاهده را تعیین کرد و کدام مرجع می‌تواند عهده‌دار تشخیص و تبیین این موضوع باشد؟ اگرچه کمیته رفع تبعیض که بر اساس ماده ۱۷ کنوانسیون وظیفه نظارت بر اجرای کنوانسیون را بر عهده دارد در گزارشات متعدد خود از کثرت و گستردگی شرط‌ها در خصوص ماده ۲، ۳ و ۱۶ نارضایتی دارد و از دولت‌ها می‌خواهد که شرط‌ها را حذف کنند اما این مسئله فقط در حد توصیه است و جنبه الزامی ندارد. لذا تصور اینکه چگونه می‌توان شرطی وارد کرد که با هدف کنوانسیون مغایرت نداشته باشد قابل تأمل است. با این حال به دلیل عدم ممنوعیت، تا زمانی که اختلاف مورد نظر ماده ۲۹ کنوانسیون وجود نداشته باشد خود دولت‌ها را باید مرجع تعیین تطابق دانست. در نتیجه چنانچه شروط ایران به‌طور خاص و جزئی تری طراحی گردد به نحوی که از حالت کلی «عدم مغایرت با موازین شرع» خارج گردد امکان پیوستن با شروط نیز وجود دارد.

در شرایطی که عدم الحاق به کنوانسیون نوعی موافقت با تبعیض علیه زنان محسوب می‌شود، الحاق به کنوانسیون به شرط تحفظ، باعث می‌شود که کشورها براساس آن قلمرو برخی از مقررات معاهده را نسبت به خود محدود کنند و ضمن اینکه منافع خود را تأمین

می‌کنند با نظام بین‌المللی هماهنگی داشته باشند. این امر به معاهدات بین‌المللی نوعی حیات و پویایی می‌بخشد. ضمن اینکه عضویت در کنوانسیون این فرصت را به ایران می‌دهد از جایگاهی که بابت الحاق در کمیته رفع تبعیض، به آن داده می‌شود، بتواند حداکثر استفاده را برای موقعیت زنان کشور بنماید. همچنین الحاق ایران فرصتی است تا به خواسته سال ۱۹۸۷ سازمان ملل که از کشورهای اسلامی درخواست «معرفی حقوق زن در اسلام» را نمود که البته هیچ اقدامی در این رابطه صورت نگرفت، پاسخ داده شود. به علاوه هر چند با تصویب یک معاهده و کنوانسیون به تنهایی وضعیت زنان یک کشور به‌طور معجزه‌آسایی تغییر نمی‌کند، الحاق به کنوانسیون این نتیجه را به دنبال دارد که به دلیل ضرورت گزارشات دوره‌ای به کمیته محو تبعیض، موضوع زنان در اولویت سیاست‌ها و برنامه‌های کلان کشور قرار گیرد و تغییرات حقوقی به نفع آنان را فراهم سازد.

موافقت با منشور محو تبعیض با تحفظ به این معناست که ایران معاهده را در کلیت خود مغایر با آموزه‌های دینی نمی‌داند، چه در غیر این صورت تحفظ به معنای مخالفت با اصل معاهده است و طبق ماده ۲۸ شروطی که با روح کنوانسیون منافات داشته باشد پذیرفته نمی‌شود.

در پایان این قسمت ذکر دو نکته را لازم می‌داند. نکته اول اینکه ایران قبلاً هیچ‌گونه شرطی را در پذیرش میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی وارد ننموده است و لذا از آن طریق متعهد به اجرای تعهدات خود منجمله در زمینه حقوق زن است. مثلاً ماده ۳ هر دو میثاق با عبارات مشابه تصریح می‌نمایند که دولت‌های عضو متعهد می‌شوند که تساوی حقوق زنان و مردان را در استفاده از حقوق مدنی و سیاسی و حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی پیش‌بینی شده در میثاق تأمین کنند. این امری است که در کمیسیون حقوق بشر مطرح بوده و استناد نماینده ویژه سازمان ملل در زمینه حقوق بشر در ایران نیز بر همین مسئله است. همچنین در یک نگاه کلی، عدم پذیرش کنوانسیون توسط ایران در حالی که اصل «عدم تبعیض» در ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده و اکنون قسمتی از حقوق بین‌الملل عرفی است ماهیتاً تأثیری نخواهد داشت. به علاوه، گرچه ایران عضو معاهده حقوق معاهدات ۱۹۶۹ نیست ولی به نظر می‌رسد این کنوانسیون به‌طور کلی و بخش مربوط به حق شرط^(۱)

1- Reservation.

به طور خاص، تدوین حقوق بین‌الملل عرفی بوده و لذا نسبت به همه کشورهای منجمله ایران لازم‌الاجرا است. بنابراین مفاد لایحه پیشنهادی دولت در مورد شروطی از این قبیل که ایران در صورتی مفاد کنوانسیون مذکور را قابل اجرا می‌داند که «با شرع مقدس اسلام مغایرت نداشته باشد»، از دیدگاه حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته نمی‌شود. زیرا به راحتی می‌توان به کلیه کنوانسیون‌های بین‌المللی، همان‌گونه که در مورد کنوانسیون حقوق کودک چنین شد، با شرط «عدم مغایرت با موازین شرع مقدس اسلام» پیوست ولی این راه‌حل، کلی، مبهم و عملاً بدون کاربرد بین‌المللی است.

نکته پایانی اینکه در صورتی که عضوی صریحاً برخلاف بند یک ماده ۲۹ اعلامیه‌ای ندهد، حل و فصل اختلافات ناشی از تفسیر این معاهده ابتدائاً از طریق مذاکره سپس داوری و نهایتاً توسط دیوان بین‌المللی دادگستری مطابق اساسنامه آن دیوان، صورت می‌گیرد. بنابراین اگر اختلافی در مورد تفسیر و فهم ماده ۲۸ کنوانسیون در خصوص حق شرط یا دامنه شمول و اعتبار هر یک از شروط کشورهای عضو پیش آید در این صورت راه حل اساسی درخواست صدور رأی از دیوان است. تاکنون هیچ مورد تفسیری در این خصوص به دیوان ارجاع نشده است.

۱۰- نتیجه‌گیری

آن‌گونه که رویه بین‌المللی دولت‌ها نشان می‌دهد امروزه دوره حمایتی از حقوق زن تقریباً پایان یافته بدین معنی که زنان به خاطر جنس از انجام کارها و فعالیت‌های خاصی ممنوع نمی‌باشند. در مورد دوره اصلاحی هنوز مواردی از این نوع اسناد بین‌المللی گرچه به ندرت دیده می‌شوند. کنوانسیون ۱۹۷۹ شکل توسعه یافته فعالیت‌های گذشته بشری است که می‌تواند به اقدامات ملی و بین‌المللی برای بهتر شدن موقیت زنان در جهان کمک کند. کنوانسیون به زن صرفاً به عنوان همسر، مادر و جنس دوم نگاه نمی‌کند بلکه حقوق متعدد دیگر زن در خانه، محل کار و در اجتماع را مورد تأیید قرار می‌دهد. کنوانسیون نقش‌های مختلفی را برای زن و مرد هر دو در نظر می‌گیرد. بر خلاف نگرش بسیاری چون ملک‌الشعرای بهار که «ای که اصلاح کار زن خواهی بی سبب عمر خویشتن کاهی!»^۱ به نظر نگارنده «بذر حقوق بشر در هر خاکی که کاشته شود، اگر از محافظت و تغذیه مناسب بهره‌مند گردد، سرانجام با غلبه بر بادهای مخالف جوانه می‌زند. اندیشه‌های آزادیبخش، راه خویش را در ذهن آدمیان - با پشت‌سرگذازدن هر مانعی که با

آن رویه‌رو شوند - به آهستگی اما به استواری می‌گشایند.» (مایور در گلن جانسون، ۱۳۷۸، ص ۱۰) یقیناً به قول پروین اعتصامی: «به هیچ مبحث و دیباچه‌ای قضا ننوشت برای مرد کمال و برای زن نقصان».

حقوق بین‌الملل معاصر حقوق بشر را پدیده‌ای فراملی می‌داند اما به هیچ وجه در صدد آن نیست که اثبات کند هیچ‌گونه تفاوتی بین زن و مرد نیست و یا تلاش نمی‌کند تفاوت‌های ذاتی، فیزیکی و فرهنگی بین این دو جنس را حذف کند. حقوق بین‌الملل تفاوت‌های بنیادین فرهنگ‌ها و ارزش‌ها را به رسمیت می‌شناسد ولی دیدگاه حقوق بین‌الملل دیدگاهی بی‌طرفانه نسبت به جنس است. لذا نظریه افراطی که بر این باور است «طبیعت آنجا که از آفریدن مرد ناتوان است، زن را می‌آفریند» و اینکه «زنان از روی طبیعت محکوم به اسارت هستند و به هیچ وجه سزاوار شرکت در کارهای عمومی نیستند» را مردود می‌داند هر چند از طرف فیلسوفان بزرگی چون ارسطو بیان گردد. (ن.ک. ویل دورانت، ۱۳۷۱، ص ۱۴۸)

بر اساس اعلامیه وین و برنامه عمل کنفرانس جهانی حقوق بشر ۲۵ ژوئن ۱۹۹۳ حقوق بشر زنان و دختر بچه‌ها غیرقابل انکار و قسمت لاینفک و غیرقابل تجزیه حقوق بشر جهانی است. شرکت برابر و کامل زنان در زندگی سیاسی، مدنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی و ریشه‌کن کردن تمام شکل‌های تبعیض جنسی از اهداف اولویت دار جامعه بین‌المللی است. (Fact Sheet, No. 22)

علی‌رغم پیشرفت‌های نسبتاً خوب در سایر زمینه‌های مربوط به حقوق بشر، در جهت جلوگیری از سوءاستفاده از حقوق زنان متأسفانه کمتر توجه شده است. روزانه تعداد زیادی از جمعیت جهان صرفاً به خاطر زن بودن هدف شکنجه، گرسنگی، حقارت و حتی قربانی قتل قرار می‌گیرند. کمتر کشوری در برقراری ارتباط با سایر کشورها به سابقه رفتار طرف مقابل در مورد برخورد با زنان توجه می‌کند. کمتر سازمان غیردولتی به‌طور خاص در جهت حقوق زنان تلاش خود را متمرکز کرده است. آمار منتشره از طرف سازمان‌های حقوق بشری مثل عفو بین‌الملل نشان می‌دهد که قبل از تولد، در دوران کودکی و بلوغ جنس مؤنث چندین برابر بیشتر از مردان قربانی نقض حقوق بنیادین قرار می‌گیرد. زنان هدف انواع مختلف نقض حقوق مانند زنا، ضرب و جرح بی در پی، کار و ازدواج اجباری، خشونت، شکجه و حتی مرگ، قرار می‌گیرند. جامعه حقوق بشری باید از چارچوبی که نرم‌های آنها توسط جنس مذکر تعیین گردیده خارج شده و بتواند پاسخگوی خشونت بی‌رحمانه و سیستماتیک علیه زنان در جهان باشد. حقوق زن باید

جزء لاینفک حقوق بشر محسوب گردد.

در شرایط فعلی آنچه جامعه بین‌المللی آشکارترین نقض‌های حقوق بشر در ایران می‌داند عبارتند از اینکه زنان نصف مردان ارزش دارند زیرا شهادت آنها در دادگاه و سهم آنان از ارث و در صورت به قتل رسیدن خونهای آنان (دیه) نصف مردان است؛ اگر با خارجی بخواهند ازدواج کنند بدون اجازه وزارت خارجه نمی‌توانند و در صورت عدم کسب مجوز ازدواج آنان قانونی تلقی نمی‌شود؛ فقط با داشتن اجازه از شوهر، زن ایرانی می‌تواند به خارج از کشور مسافرت کند؛ فقط مرد می‌تواند چند زن دائمی داشته باشد و هیچ محدودیتی برای او از نظر تعداد غیردائم وجود ندارد؛ زن است که اگر در برابر خواسته‌های جنسی مرد تمکین نکند محروم از غذا، مسکن و لباس می‌شود. فقط مرد حق دارد اگر ببیند زنش با اجنبی هم بستر شده است او را به قتل برساند؛ به طور کلی، مگر توافق خلاف صورت گیرد، طلاق حق انحصاری مرد است؛ و بالاخره حق حضانت در صورتی با زن است که پدر یا جد پدری نباشد.

دیدگاهی نو از اسلام دینی که مشحون از آیاتی است که نابرابری را در همه اشکال مذموم می‌داند نیاز است تا به جای انفعالی عمل نمودن، ایران نقش فعالی را در همه زمینه‌های حقوقی بین‌المللی ایفا نماید. اسلام که دین عطف و مهربانی است نباید به گونه‌ای معرفی گردد که تبعیض را در خود نهادینه کرده است. بسیاری از اموری که اکنون علیه ایران به آن استناد می‌شود و در ایران انجام آنها را نقض اسلام تلقی می‌کنند الزاماً نقض اسلام نبوده بلکه ممکن است فقط با بعضی از دیدگاه‌ها نسبت به اسلام همخوانی نداشته باشد. بنابراین ایران باید به صورت جدی تکلیف خود را نسبت به بسیاری از معاهدات بین‌المللی از جمله این کنوانسیون مشخص نماید.^(۱) ایران با شرکت خود در تهیه پیش‌نویس بسیاری از اسناد حقوق بشر نشان داده است که مایل به داشتن نقش فعال در این خصوص می‌باشد. مثلاً شرکت ایران در کنفرانس جمعیت قاهره در سال ۱۹۹۴، مشارکت آن در کنفرانس جهانی حقوق بشر ۱۹۹۳ وین و نقش غیرقابل انکار آن در تهیه اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در ۱۹۹۸ حاکی از خروج از حرکت‌های انفعالی کشور است. در حالی که تعدادی از کشورهای مسلمان کنفرانس قاهره را به دلیل غیراسلامی بودن

۱- کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، کنوانسیون منع شکنجه و هر نوع مجازات با رفتار خشن غیرانسانی، معاهده ۱۹۶۹ حقوق معاهدات، موافقتنامه مراکش در خصوص تشکیل سازمان تجارت جهانی (WTO) و اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری از جمله مهم‌ترین اسنادی است که نسبت به این کشور وضع مشابهی با کنوانسیون ۱۹۷۹ دارند.

تحریم نمودند ایران به منظور «وارد نمودن قواعد و اخلاق مذهبی در سند نهایی کنفرانس» در آن حضور قوی داشت.

برابری در قانون و زندگی واقعی یکی از ستون‌های اصلی دموکراسی در هر جامعه است. متأسفانه تقریباً در تمام جوامع یا نابرابری در قانون و یا در عمل و یا هر دو دیده می‌شود. اگر ایران معتقد است در کشور در عمل نابرابری زن و مرد وجود ندارد در قوانین هم این امر را باید محو نماید. گرچه هیچ کس نمی‌تواند مدعی شود کشوری وجود دارد که در آن حقوق زنان نقض نمی‌شود ولی کمتر کشوری را می‌شود یافت که صریحاً در قوانین خود تبعیض و نابرابری را نهادینه کرده باشد.

واقعیت این است که حقوق بشر را دیگر نمی‌توان در مرزهای بسته محدود نمود، بین استانداردهای حقوق بشر ملی و بین‌المللی هم دیگر به سختی نمی‌توان خط تفکیک ترسیم نمود. این بدین معناست که حقوق زن حقوق بشر تلقی و حقوق بین‌الملل مدرن دیدگاه کلاسیکی را که در آن فقط دولت‌ها موضوع حقوق بین‌الملل محسوب می‌گردند و یک دولت فقط در برابر اتباع دولت دیگر (نه اتباع خود) ممکن است مسئولیت بین‌المللی داشته باشد، قویاً رد می‌کند. مفهوم اصل حاکمیت دولت دستخوش تحولات زیادی قرار گرفته است. بنابراین، این نظر که فرهنگ و مذهب و به‌طور کلی حقوق داخلی و به عبارت دیگر «نسبی‌گرایی» اجازه تبعیت از حقوق بین‌الملل که دیدگاه «جهان‌گرایی» دارد را نمی‌دهد امروزه با مشکل مواجه است. بدون شک حاکمیت هر دولتی اگر خود راه حل اجرای قوانین بین‌المللی را بیابد بهتر حفظ می‌شود تا اینکه برخلاف اراده انفرادی آن دولت و به مرور زمان بر آن تحمیل گردد. حقوق بین‌الملل تا جایی که «نسبی‌گرایی» نظام حقوقی یک کشور با «جهان‌گرایی» آن حقوق همخوانی داشته باشد حقوق داخلی را به رسمیت می‌شناسد. در حالی که هر دو دیدگاه موصوف دارای امتیازات مخصوص به خود هستند هیچ یک به تنهایی موجب توسعه حقوق زن در ایران نیست. «جهان‌گرایی» بدون رعایت تعدد فرهنگی و «نسبی‌گرایی» با قطع ارتباط از «جهان‌گرایی» هر دو ناموفقند. مهاتما گاندی می‌گوید: «همیشه با شور و حرارت آرزو می‌کنم که زنان به آزادی کامل و واقعی برسند... اگر من زن بودم، علیه دعوی مرد دایر بر اینکه زن به دنیا آمد تا بازیچه او باشد، سخت عصبان می‌کردم.»

کتابنامه:

الف - منابع فارسی

- ۱- بارنلمه، کریستیان، (۱۳۳۷)، زن در حقوق ساسانی، ترجمه دکتر ناصرالدین صاحب‌الزمانی، تهران، بنگاه مطبوعاتی عطائی.
- ۲- جانسون، گلن، (۱۳۷۸)، اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاریخچه آن، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران، نشر نی، چاپ چهارم.
- ۳- دوران، ویل، (۱۳۷۱)، لذات فلسفه، ترجمه عباس زریاب، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- ۴- رابینسون، مری، (۱۳۸۱)، پیام به «همایش حقوق بین‌الملل بشر»، ۲۹ الی ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۸۱، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
- ۵- رهنورد، زهرا، (۱۳۶۶)، سفر به دیار زنان بت، تهران، انتشارات سروش.
- ۶- عبادی، شیرین، (۱۳۷۳)، تاریخچه و اسناد حقوق بشر در ایران، تهران، انتشارات روشنگران.
- ۷- کدیور، جمیله، (۱۳۷۵)، زن، تهران، انتشارات اطلاعات.
- ۸- متین‌دفتری، احمد، (۱۳۴۸)، حقوق بشر و حمایت بین‌المللی از آن، تهران، چاپخانه بهمن.
- ۹- مهرپور، حسین، (۱۳۷۷)، نظام بین‌المللی حقوق بشر، تهران، انتشارات اطلاعات.
- ۱۰- مهرپور، حسین، (۱۳۷۹)، مباحثی از حقوق زن، تهران، انتشارات اطلاعات.
- ۱۱- مهرپور، حسین، (۱۳۷۷)، حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات اطلاعات.
- ۱۲- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۰)، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، چاپ پانزدهم.
- ۱۳- ناصرزاده، هوشنگ، (۱۳۷۲)، اعلامیه‌های حقوق بشر، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد).
- ۱۴- مرکز تحقیقات فقهی فقه فضا، (۱۳۷۷)، «دیدگاه‌های فقهی در خصوص عهدنامه رفع تبعیض»، قم.

ب - منابع لاتین

- 1- Abdullahi, Ahmad An - Naim, (1990), "Problems of Universal Cultural Legitimacy for Human Rights", in *Human Rights in Africa: Cross - Cultural Perspectives*.
- 2- Alfredson G., (1995), et al., (eds). *A Thematic Guide to Documents on the Human Rights of Women*, The Hague, Martinus Nijhoff Publishers.
- 3- Charlesworth H.C. Chinkin, (1991), et al., "Feminist Approaches to International Law", *83 American Journal of International Law*.
- 4- Cook R.J. (1994), (ed.), *Human Rights of Women: National and International Perspectives*, Philadelphia, University of Pennsylvania Press

-
- (1994).
- 5- *Human Rights: Discrimination Against Women: the Convention and the Committee*, Fact Sheet No. 22 in <http://www.unhchr.ch/html/menu6/2/fs22.htm>.
 - 6- <http://www.law-lib.utoronto.ca/diana/cases.htm> viewed on 30 feb. 2004.
 - 7- <http://www.unhchr.ch/women/>viewed on 25 Feb. 2004.
 - 8- Julie Peters, (1995), et al., *Women's Rights Human Rights: International Feminist Perspectives*, Routledge, Inc .
 - 9- Kerr J., (1993), (ed.), *Ours by Right: Women's Rights As human Rights*, London, Zed Book, Ltd.
 - 10- Lockwood C.E. (1998), et al, (eds.), *The International Human Rights of Women: Instruments of Change*, USA, American Bar Association.
 - 11- Reservations to the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, *ICJ Reports*, Advisory Opinion of 28 May 1951 (1950-1951).
 - 12- 40 *United Nations Treaty Series (UNTS)*63.
 - 13- 81 *UNTS* 321.
 - 14- 193 *UNTS* 135.
 - 15- 214 *UNTS* 321.
 - 16- 309 *UNTS* 65 .
 - 17- United Nations Convention on Elimination of all Forms of Discrimination Against Women (CEDAW).